

انقلاب رنگی (۱)

مفهوم، تاریخچه، بنیادهای طراح و حامی

یحیی میار

چکیده

انقلاب رنگی یا مخملی در دو دهه اخیر وارد ادبیات سیاسی گردیده است و از طریق اعتراض‌های مدنی و یا تحصن‌های گسترده، در اعتراض به نتایج انتخابات صورت می‌گیرد و تغییر رژیم کشورهای هدف را در پی داشته است. تاکنون این الگوی تغییر رژیم در طی انتخابات و یا بعد از آن رخ داده است و نقش مؤسسات و نهادهای غیر دولتی امریکا در قالب مؤسسات حامی حقوق بشر، دموکراسی و آزادی به عنوان هدایت‌گران انقلاب‌های رنگی برجسته بوده است. انقلاب رنگی چیست و سابقه آن به چه زمانی برمی‌گردد؟ دارای چه اهداف، ویژگی‌ها و مراحل است و بسترهای شکل‌گیری آن کدامند؟ برای پاسخ به این سؤالات، نگارنده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استنباط و توصیف داده‌ها، مفهوم و پیشینه انقلاب رنگی را بررسی و با بر شمردن اهداف و ویژگی‌های آن، به مراحل و بسترهای شکل‌گیری و نیز نقش بنیادهای طراح و حامی آن اشاره می‌کند. انقلاب رنگی در ایران از طریق ادعای تقلب در انتخابات، دروغ خواندن نتیجه آن، اعلام پیروزی زودهنگام، تخریب و دروغ‌بافی علیه دولت و طرح نظارت بین‌المللی، همراه با راه‌اندازی شورش‌ها و اعتصابات گسترده به وقوع پیوست و رنگ سبز به عنوان نماد تبلیغاتی یکی از کاندیدها استفاده شد. در این شماره مطالب مربوط به مفهوم، تاریخچه، بنیادهای طراح و حامی انقلاب رنگی و در شماره بعدی، اهداف، ویژگی‌ها، مراحل، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب رنگی مطرح می‌شود.

کلید واژه: انقلاب رنگی، انقلاب مخملی، انتخابات، اعتراض مدنی، تقلب

مقدمه

تحولات نوین، همراه با تحقیقات و مطالعات جدید، تعاریف ویژه‌ای را از انسان، نقش او و علایق و تفاوت‌های او ارایه کرده است و همه این تعاریف به نحوی تأثیر خود را در نظام‌های آموزشی به جا نهاده است.

انقلاب رنگی، تغییر یک رژیم سیاسی بدون خشونت و کشتار است که از طریق اعتراض‌های مدنی و یا تحصن‌های گسترده حاصل می‌شود. انقلاب رنگی بیش از هر چیز، از امکانات نوینی که روند جهانی شدن به سهولت و به طور گسترده در اختیار بشر نهاده است، برای دستیابی به اهداف مورد نظر استفاده می‌شود. بر این اساس، نکته اساسی و موضوع مرکزی، تأثیر بر افکار عمومی است و حلقه مرکزی برای این تأثیر، رسانه‌های جمعی و ارتباطات جهانی هستند.

در ادبیات سیاسی و گفتمان‌های رایج دو دهه اخیر، انقلاب رنگی با عناوینی نظیر: «انقلاب مخملی»، «انقلاب آرام»، «انقلاب خاموش»، «انقلاب گل رز»، «انقلاب نارنجی»، «انقلاب لاله»، «انقلاب کاج» و... شناخته می‌شود (حامد عبدوس، ۱۳۸۹). فرضیه اساسی انقلاب رنگی این است که می‌توان در اهداف انقلابی بود و در روش اصلاح طلب و مسالمت‌جو. به عبارت دیگر، انقلاب رنگی با روش‌های مبارزه بدون خشونت و ترکیبی از فشار توده‌ای سازمان‌یافته (از جمله جنبش‌های اجتماعی)، در عین آمادگی برای گفتگو، مذاکره و پیشبرد مرحله‌ای اهداف، تأکید می‌کند.

دلیل نامیدن نام رنگ‌ها و گل‌ها بر این رویدادها به استفاده‌ی مخالفان از یک رنگ یا گل خاص به عنوان نماد مخالفت آن‌ها باز می‌گردد، که این اعتراض و مخالفت با استفاده از ابزار رسانه‌ای و جریان‌سازی تبلیغات رسانه‌های غربی با عنوان پرجاذبه «انقلاب» شناسایی می‌شوند. این الگوی تغییر رژیم تاکنون در کشورهای

یوگسلاوی (۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و قرقیزستان (۲۰۰۵) رخ داده است و در جریان آن‌ها، نوع جدیدی از جابه‌جایی قدرت سیاسی به شیوه‌ای آرام و مسالمت‌آمیز جلوه گر شده است.

اکنون این سؤالات مطرح می‌شود که: مفهوم انقلاب رنگی چیست؟ انقلاب رنگی واجد چه اهداف، ویژگی‌ها و مراحل دارد؟ بسترهای شکل‌گیری آن کدامند؟ آنچه که در این نوشته دنبال می‌شود، در واقع پاسخی به مفهوم انقلاب رنگی، اهداف، ویژگی‌ها، مراحل و بسترهای شکل‌گیری آن است. براین اساس با مرور مفهوم انقلاب رنگی، به بررسی سابقه و تاریخچه آن می‌پردازیم. در بیان سابقه و پیشینه، به وقوع انقلاب رنگی یا مخملی در کشورهای چک‌اسلواکی، صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان اشاره می‌شود و وجوه مشترک انقلاب رنگی در این کشورها ذکر خواهد شد. سپس با بر شمردن اهداف و ویژگی‌های انقلاب رنگی، به مراحل و بسترهای شکل‌گیری آن و نیز بنیادهای طراح و حامی آن پرداخته می‌شود. همچنین در بخشی از مباحث، بسترها و زمینه‌های انقلاب رنگی در ایران را با نگاه به انتخابات دهم ریاست جمهوری به عنوان بستر اصلی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بسترهای شکل‌گیری انقلاب رنگی شامل انتخابات و تقلب در انتخابات، رسانه‌های نوین، جنبش‌های نوین اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی‌خواهی، و سرمایه‌گذاری عوامل خارجی است و امکان بروز این بسترها و زمینه‌ها در مورد ایران نیز قابل اجرا است؛ امری که در انتخابات دهم ریاست جمهوری و به هنگام اعلام نتایج آرا شاهد آن بودیم. عوامل داخلی با همکاری عوامل خارجی به دنبال تشکیک در نتایج انتخابات و راه‌اندازی شورش‌های خیابانی و اعتصابات گسترده

برای قدرت‌نمایی برآمدند و استفاده از رنگ سبز، نماد مخالفان در اعتراض به نتایج انتخابات بود. آنچه که از بسترهای انقلاب مخملی - همانند کشورهای دیگر - آشکارتر و ملموس‌تر برای ایران نیز به مرحله اجرا گذاشته شد؛ ادعای تقلب در انتخابات، دروغ خواندن نتیجه آن، اعلام پیروزی زود هنگام و افزایش مطالبات، تخریب و دروغ‌بافی بی‌سابقه و پرحجم علیه دولت و طرح نظارت بین‌المللی است.

۱- مفهوم‌شناسی

انقلاب رنگی^۱ یا انقلاب مخملی^۲ پدیده‌ای نوین در آغاز قرن بیست و یکم است، که تاکنون با حمایت غرب علیه نظام‌های سیاسی باقی‌مانده است و از دوران جنگ سرد، در کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق، روی داده است. منظور از «انقلاب رنگی» که با عناوینی نظیر: «انقلاب مخملی»، «انقلاب آرام»، «انقلاب خاموش»، «انقلاب گل رز»، «انقلاب نارنجی»، «انقلاب لاله»، «انقلاب کاج» و ... شناخته می‌شود، تغییر رژیم بدون خشونت و کشتار است که از طریق اعتراض‌های مدنی و یا تحصن‌های گسترده حاصل می‌گردد و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می‌گیرد.

انقلاب رنگی نوعی براندازی نرم است، در این نوع جدید براندازی، تلاش می‌شود در بستری از چهارچوب‌های قانونی و ارتباطات اجتماعی ابتدا میزان مشروعیت و مقبولیت مهاجم در جامعه هدف، افزایش یابد و سپس از طریق

۱. Color revolution

۲. Velvet revolution

کانال‌هایی به اصطلاح دموکراتیک و با پشتوانه قدرت اجتماعی، دگرگونی نظام سیاسی و یا نخبگان اجرایی محقق شود (داداشی، ۱۳۸۶). در واقع بی‌خشونت‌ی؛ اقدامات اعتراضی و ترغیب، عدم همکاری و مداخله بدون خشونت برای تخریب منابع قدرت، حریف را که به منظور ایجاد تغییر طراحی شده‌اند در بر می‌گیرد. بر این اساس واژه انقلاب مخملین از یک منظر عبارت درستی نیست؛ زیرا این دگرگونی‌ها مؤلفه‌های انقلاب را چه با خشونت و چه بدون خشونت ندارد.

دگرگونی‌های رنگین، یک سلسله حرکت‌ها یا جنبش‌هایی است که به تغییراتی در سیستم منجر می‌شود، اما ویژگی‌های هفتگانه انقلاب را به تمام و کمال همراه خود ندارد (حسینی‌تاش و باقر، ۱۳۸۷). اقدام بی‌خشونت تلاشی برای دوری گزیدن یا نادیده گرفتن مبارزه نیست، بلکه پاسخی است به اینکه چگونه می‌توان نقشی مؤثر در سیاست داشت، به ویژه این که چگونه می‌توان قدرت را به صورتی مؤثر به کار برد (جین شارپ، ۱۹۸۳، ص ۶۴).

انقلاب رنگی را نخستین بار «واسلاو هاول» رئیس جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان این کشور بود، بر سر زبان‌ها انداخت و اینگونه وارد ادبیات سیاسی شد. انقلاب رنگی تحولی به نسبت آرام و همراه با جابه‌جایی نخبگان در سطح بالاست که طی آن هیأت حاکمه از سوی اپوزیسیون قدرتمند به چالش کشیده است و در نهایت از طریق همین مخالفان میانه‌رو که طرفدار لیبرال دموکراسی غربی هستند و از حمایت قدرت‌های غربی را دارند، از مدار قدرت خارج می‌شوند. این جریان که عموماً در برابر اعتراض به نتایج انتخابات صورت می‌گیرد، هدف خود را پیروزی دموکراسی در روند انتخابات می‌داند و به همین دلیل از ابزارهای گوناگونی برای نمایش تقلب و یا فساد حاکمان استفاده می‌کند. به نحوی که برگزاری

انتخابات بحث برانگیز به مخالفت های گسترده خیابانی دامن زده می شود و این امر به عزل و فرار رهبرانی منجر می شود که از سوی مخالفان با عناوینی نظیر دیکتاتور و مستبد شناخته می شوند. در نتیجه انقلاب رنگی چنین تعریف می شود: «ایجاد تغییر بنیادین درون کشور از طریق مدیریت اعتراض مدنی در قالب فرایند اجرای دموکراسی» (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

اصطلاح انقلاب رنگی معمولاً برای توصیف حرکاتی مرتبط به کار می رود که در چندین کشور از مجموعه اتحاد شوروی سابق و منطقه بالکان در اوایل سال ۲۰۰۰ رشد یافته است. این تحولات با وقوع انقلاب مخملی در دوره ۶ هفته ای ۱۷ نوامبر تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ در چکسلواکی آغاز شد و با وقوع تحولات مشابهی به شکل زنجیره ای در صربستان (دو مرحله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و قرقیزستان (۲۰۰۵) ادامه یافت. در تمامی این انقلاب ها هر بار به دنبال اختلاف نظر در انتخابات، اعتراض های عظیمی در خیابان ها شکل گرفت که به استعفا و یا براندازی رهبران منجر شد. بیشتر شرکت کنندگان در انقلاب های رنگی، اکثراً از مقاومت های بدون خشونت برای اعتراض به دولت های حاکم و برای دفاع کردن از دموکراسی استفاده کرده اند. انقلاب های رنگی به دلیل نقش مهم سازمان های غیردولتی و به ویژه دانشجویان حامی در ترتیب دادن خلاقانه مقاومت های بدون خشونت، قابل توجه هستند.

وجه تمایز انقلاب رنگی آن است که در تمامی این جنبش ها از یک رنگ یا یک گل خاص به عنوان نماد استفاده می کنند؛ البته در کنار نام بردن از رنگ های به خصوص، از انقلاب آبی نیز یاد شده است. انقلاب آبی اصطلاحی بود که توسط برخی از کویونی ها استفاده شد و به تظاهرات کویت برای حمایت از حق رأی زنان در

مارس ۲۰۰۵ اشاره داشت. از آنجا که برگزارکنندگان، خواستار تغییر رژیم نبودند، این انقلاب به عنوان یک انقلاب رنگی دسته‌بندی نمی‌شود (سوارسه، ۱۳۸۹).
با آنکه انقلاب رنگی نوعی از تحولات درونی محسوب می‌شود، با این حال نباید به آن فقط به عنوان یک موضوع داخلی نگریسته شود و نقش عوامل خارجی را نادیده گرفت. یکی از تفاوت‌های اصلی انقلاب‌های رنگی با انقلاب به معنای رایج آن را باید حضور پررنگ و مداخله جدی کشورهای خارجی به ویژه کشورهای غربی، سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌های ارتباط جمعی دانست. برخی نیز از آن به عنوان موج انقلابی یاد می‌کنند.

بنابراین اصطلاح انقلاب مخملی یا انقلاب رنگی برای این نوع تحولات سیاسی با تأکید بر جابه‌جایی قدرت بین مخالفان یک دولت و حکومت با کسانی که در قدرت هستند اطلاق می‌شود. در واقع در این نوع به اصطلاح انقلاب‌ها، یک نوع براندازی از طریق بحران‌سازی از سوی مخالفان انجام می‌شود. گروه‌های سیاسی مخالف، با ایجاد هیجان و با سوار شدن بر امواج احساسات هواداران خود، که از یک رنگ مشخص استفاده می‌کنند، در جامعه یک موجی را ایجاد می‌کنند و با فضا سازی رسانه‌ای، نیروهای بی‌تفاوت را نیز همراه کرده و دولت حاکم را مجبور به عقب‌نشینی و تسلیم می‌کنند (قاسمی و بابایی، ۱۳۸۹).

۲- سابقه (تاریخچه)

انقلاب مخملی وقوع تحولانی در دوران انتخابات در چندین کشور از مجموعه اتحاد شوروی سابق و منطقه بالکان است. این تحولات در سال ۱۹۸۹ در چک اسلواکی آغاز شد و با وقوع تحولات مشابهی به شکل زنجیره‌ای در صربستان،

گرجستان، اوکراین و قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ ادامه یافت. بیشتر شرکت کنندگان در انقلاب‌های رنگی، از مقاومت‌های بدون خشونت برای اعتراض به دولت‌های حاکم و برای دفاع کردن از دموکراسی استفاده کرده‌اند. در تمامی این جنبش‌ها شرکت کنندگان از یک رنگ یا یک گل خاص به عنوان نماد استفاده کرده‌اند. این تحول، همچنان که از عنوان آن پیداست، بر رویکردی نرم و شیوه‌ای آرام برای تغییر حکومت‌ها و حکمرانان تأکید دارد و از این‌رو راهبرد نوینی در عرصه تغییر و براندازی رژیم‌ها به شمار می‌رود. انقلاب به طور عمده تحولی جدی در سیاست، اقتصاد، طبقات و ایدئولوژی جامعه به وجود می‌آورد و اغلب خشونت آمیز است. این در حالی است که در هیچ یک از کشورهایی که این تحول در آن‌ها رخ داده است، تغییراتی در این سطح دیده نمی‌شود و در عین حال گروه‌های انقلابی اصرار فراوانی بر مسالمت‌جویی در پیشبرد انقلاب را داشته‌اند (پورسعید، ۱۳۸۷، ص ۹).

۱-۲- چک اسلواکی

چنانچه گفته شد واژه انقلاب مخملی نخستین بار از سوی واسلاوهاول، رهبر مخالفان حکومت وقت چک اسلواکی به ادبیات سیاسی وارد شد. در سال ۱۹۸۹ طی یک دوره شش هفته‌ای (از ۱۷ نوامبر تا ۲۹ دسامبر)، مخالفان حکومت با انجام سلسله اقداماتی زنجیره‌ای رژیم، حاکم را سرنگون کردند و قدرت را در دست گرفتند.

۲-۲- صربستان، انقلاب بولدزر:

در پنجم اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی، اسلودان میلوشوویچ، رییس جمهور وقت صربستان در میان تظاهرات و اعتراض‌های صدها هزار نفر در بلغراد مجبور به استعفا شد. مردم با بولدزر به ساختمان مرکزی رادیو و تلویزیون دولتی، حمله و آن را خراب کردند به همین دلیل «انقلاب بولدزر» نام گرفته است.

۳-۲- گرجستان، انقلاب گل رز:

در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳ در گرجستان «ائتلاف برای گرجستان نو» به رهبری ادوارد شوارد نادره و «ائتلاف تروئیکا» گرجستان شامل میخایل ساکاشویلی، زوراب ژوانیا رئیس قبیله پارلمان و نینو پورجانادزه رئیس پارلمان (مثلث قدرت گرجستان) در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. در این انتخابات، بنیاد سوروس^۱ پیشاپیش پیروزی ائتلاف تروئیکا را اعلام کرد. اما پس از انتخابات، نتایج شمارش آرا، پیروزی «ائتلاف گرجستان نو» را نشان می‌داد. ائتلاف تروئیکا به نتیجه انتخابات اعتراض و دولت را متهم به تقلب کرد. اعتراض‌های مخالفان به سرنگونی دولت شوارد نادره منجر شد.

با اعلام نتایج اولیه انتخابات، حدود ۱۵ هزار نفر از افراد گروه‌های مخالف به نتیجه، اعتراض کردند و گروه حاکم و پیروز به تقلب در انتخابات متهم شدند و از طریق «جنبش کمارا» سر به طغیان گذاشتند. آن‌ها چند روز در مقابل ساختمان‌های دولتی از جمله ریاست جمهوری جمع شدند و مردم را به مخالفت فراخواندند و به

نیروهای ارتش و پلیس گل رز (گل سرخ) می دادند (ملکوتیان کیهان، ۱۳۸۷). در نتیجه این تحولات، «انقلاب گل رز» نام گرفت.

در روز افتتاح مجلس، معترضان به نحوه برگزاری انتخابات اخیر گرجستان و نتایج آن توانستند وارد پارلمان این کشور شوند و ادوارد شوارد نادره را که در حال سخنرانی بود از این محل فراری دهند. عده‌ای تظاهرکننده نیز توانستند خود را به کاخ ریاست جمهوری رسانند. و به رئیس جمهور گرجستان برای ترک قدرت، یک اولتیماتوم ۴۵ دقیقه‌ای دهند. خبر اشغال مجلس به وسیله تظاهرکنندگان، سایر معترضان را نیز به تکاپویی مضاعف انداخت و باعث شد تا عده‌ای از آنان به سوی کاخ ریاست جمهوری و میدان آزادی شهر تفلیس به حرکت درآیند. پلیس ضد شورش و واحدهای ارتش که با محاصره تظاهرکنندگان مانع راهپیمایی آنان به سوی میدان آزادی شده بودند، از سر راه جمعیت کنار رفته و بسیاری از آنان با زمین گذاشتن اسلحه خود به تظاهرکنندگان پیوستند. این در حالی بود که با گذشت کمتر از سه ساعت از انتشار خبر ورود معترضان به مجلس گرجستان، اعلام شد که عده‌ای از تظاهرکنندگان توانسته‌اند وارد کاخ ریاست جمهوری شوند و آن را به تصرف خود درآورند. با ورود ایوانف روسی به تفلیس و ترغیب شوارد نادره به استعفا، «انقلاب گل رز» به پیروزی رسید.

تمام وقایع روز شنبه در گرجستان پس از آن به وقوع پیوست که دولت امریکا در اولین واکنش نسبت به بحران گرجستان جانب مخالفان را گرفت و به صراحت اعلام کرد که در انتخابات اخیر این کشور تقلب صورت گرفته است. وزارت خارجه امریکا این انتخابات را تقلب در ابعاد گسترده توصیف کرد و گفت که نتایج شمارش آرا نیز آشکارا دستکاری شده است (بنانج روزنامه شرق، ۸۲).

۴-۲- اوکراین، انقلاب نارنجی:

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ اوکراین، هیچ یک از نامزدها حدنصاب لازم را نیاوردند و انتخابات به دور دوم کشیده شد. نتایج دور دوم، پیروزی «یانوکویچ» (هوادار روسیه) را نشان می‌داد، اما «یوشنکو» (یوشچنکو) نامزد طرفدار امریکا نتیجه را نپذیرفت و اعلام کرد تقلب شده است. به دنبال تظاهرات معترضان، کشور اوکراین در شرایط فوق‌العاده‌ای قرار گرفت. در نهایت، انتخابات باطل شد و انتخابات مجدد با حضور ناظران بین‌المللی برگزار شد. از آنجا که در اتفاقات ذکر شده متحصنان و تظاهرکنندگان، تی‌شرت و بازوبند نارنجی بر تن داشتند و پرچم‌های نارنجی‌رنگ با خود حمل می‌کردند، به «انقلاب نارنجی» معروف شد.

با برگزاری دوباره انتخابات، که به دنبال تلاش‌ها و تبلیغات و کمک‌های گسترده غرب در طرفداری از یوشچنکو و در شرایط تضعیف تدریجی دولت به دلیل کنار کشیدن نیروهای مسلح و ایجاد تفرقه در گروه حاکم و حضور ۱۲۰۰۰ ناظر بین‌المللی صورت گرفت و ۷۷/۲۲ درصد واجدان شرایط در آن شرکت کردند، یوشچنکو با به دست آوردن ۵۲/۶۲ درصد بر یانوکویچ که ۴۳/۶ درصد آرا را کسب کرد پیشی گرفت و اوضاع به حالت عادی در آمد (ملکوتیان، ۱۳۸۷). در هر صورت یوشچنکو پیروز شد.

ویکتور یوشچنکو نامزد اپوزیسیون در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین به شدت از حمایت و اشنگتن برخوردار بود. او نه فقط از طرف صندوق بین‌المللی پول و جامعه مالی بین‌المللی حمایت می‌شد، بلکه از تأیید بنیاد ملی برای دموکراسی،

موسسه خانه آزادی^۱ و انستیتوی جامعه باز^۲ متعلق به جورج سوروس که در پشت صحنه، از طریق قرارداد بازاری مالی در اختیار اپوزیسیون، در سرنگونی ادوارد شورنادزه رئیس جمهور گرجستان نقش بازی کرد، نیز برخوردار بود.

در اوکراین، بنیاد ملی برای دموکراسی و سازمان‌های تشکیل‌دهنده آن، حزب یوشچنکو را از نظر مالی تأمین می‌کردند. خانه آزادی به همراه مؤسسه جمهوری خواه بین‌المللی به نوبه خود در گیر ارزیابی منصفانه بودن انتخابات و نتایج آن شد. گزارش‌های دیگر نیز حکایت از کمک‌های گسترده مالی سازمان‌های به ظاهر خصوصی امریکایی به پروژه براندازی در اوکراین دارد؛ از جمله هزینه کردن ۳۴۰ هزار دلار توسط مؤسسه‌های وابسته به «بنیاد ملی برای دموکراسی» «مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین‌المللی»، «مرکز بین‌المللی بنگاه‌های خصوصی» و «مرکز امریکایی برای کار بین‌المللی». به جز کمک‌های مالی، باید از نقش مستقیم سفیران غربی به ویژه سفیر آمریکا در «کیف» در ناآرامی‌ها و حمایت گسترده تبلیغاتی غرب از مخالفان یاد کرد. اتحادیه اروپایی پیایی تأکید می‌کرد که نتیجه انتخابات بر پیشرفت اوکراین و ثبات اروپا تأثیر دارد و رسانه‌های غربی به تمجید از شخصیت و دیدگاه‌های لیبرالی یوشچنکو می‌پرداختند و هر گونه تظاهرات در طرفداری از او و سخنرانی‌های وی را به طور زنده پخش می‌کردند. همچنین شخصیت‌های سیاسی غربی به طور مکرر با او ملاقات و از وی طرفداری می‌کردند. شبکه‌های تلویزیونی غربی از جمله BBC و CNN و به ویژه یورونیوز نقش بارزی در تصویر چهره مطلوب از یوشچنکو و چهره نامطلوب از یانوکویچ داشتند و کانال

۵ تلویزیون اوکراین و سایت‌های اینترنتی جنگ روانی گسترده‌ای را به راه انداخته بودند (ملکوتیان کیهان، ۱۳۸۷).

۵-۲- قرقیزستان، انقلاب لاله:

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ قرقیزستان پس از رد صلاحیت نامزدهای مخالف دولت برگزار شد. دور اول انتخابات پارلمانی در فوریه ۲۰۰۵ برگزار و با اعلام نتایج آن و منتهم شدن دولت به تقلب، جنوب کشور کاملاً متشنج و گروهی از مردم به سوی بیشکک پایتخت روانه شدند. با برگزاری مرحله دوم انتخابات در ۱۳ مارس، خشونت و غارت علیه ساختمان‌های دولتی رخ داده و در ۲۴ مارس تعداد کمی از مخالفان که از حمایت پلیس نیز برخوردار بودند، وارد کاخ ریاست جمهوری شدند. در این شرایط آقایف از مرز قزاقستان خارج و به مسکو پناهنده شد و باقی‌اف به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب گردید (کیهان: سال ۸۷). انقلاب رنگی قرقیزستان به واسطه وقوع در فصل بهار، عنوان «انقلاب لاله» را گرفت.

در «انقلاب لاله‌ای قرقیزستان» نیز نقش عوامل خارجی از جمله سازمان‌های خصوصی، مراکز سیاسی و نهادهای مالی امریکایی و سپس اروپایی آشکار بود و در مقابل، روس‌ها با این حرکت مخالفت می‌کردند. سازمان‌های امریکایی در ایجاد تعدادی کافی نت در قرقیزستان و دادن آن‌ها به «جنبش مقاومت جوانان کلکل» که به سرعت خبرها را به نقاط مختلف قرقیزستان می‌رساندند و به تبلیغات می‌پرداخت، نقش داشتند. حتی کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه دولت بوش «کمک امریکا به گروه‌های سیاسی برای توسعه جامعه مدنی» اشاره کرده است. همچنین مشخص شده

که خانم «روزا اوتانباوا» از رهبران «انقلاب لاله ای» با بنیاد سوروس در ارتباط بوده و کمک‌های مالی دریافت می‌کرده است.

در آن ایام بیش از ۵۰ سازمان غیردولتی غربی در قرقیزستان فعال بودند که از آن جمله می‌توان به بنیادهای متعلق به جرج سوروس، پژوهشکده «دموکراسی امریکا» به رهبری «لینکن میجل»، که خود بارها به قرقیزستان سفر کرده بود و با احزاب مخالف دولت ملاقات داشته است، اشاره کرد. گزارش محرمانه سفیر امریکا در قرقیزستان «استفن ام یانگ» نیز حاکی است که سفیر با همکاری سازمان‌های «انستیتو دمکراتیک ملی»، «انستیتو بین‌المللی جمهوری خواه»، «خانه آزادی»، «شبکه مصاحبه» و «بنیاد اوراسیا» در هدایت نتایج رأی‌گیری عمومی نقش داشته‌اند. سفیر می‌افزاید که افزایش مبلغ کمک به احزاب مخالف به ۳۰ میلیون دلار لازم است (ملکوتیان سال: ۸۷). عسگر آقایی پس از فرار از کشور، استفن یانگ سفیر امریکا در قرقیزستان را عامل اصلی این انقلاب معرفی کرد. وی اظهار داشت: یک هفته قبل از وقوع این حوادث در شبکه جهانی اینترنت، نقشه این انقلاب منتشر شده بود. این نقشه را «استفن یانگ» تدوین کرده است و این انقلاب دقیقاً همانند نقشه صورت گرفت (سراج، ۱۳۸۸).

۳- وجوه مشترک انقلاب رنگی در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان

در بررسی و مقایسه تطبیقی انقلاب رنگی در سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان که برخی از کارشناسان آن را انجام داده‌اند، وجوه مشترک زیر مشخص گردید:

۱- در هر سه کشور، انتخابات، محمل مشترک انقلابات رنگی بود. از یک طرف رهبران اپوزیسیون با همراهی مردم خواهان به برگزاری انتخابات سراسری و آزاد به عنوان پیش شرط تحول بودند و از طرف دیگر بعد از برگزاری انتخابات، دولت حاکم و مجری انتخابات، متهم به تقلب در آرای مردم گردید. در واقع انتخابات، نمادی تحریک کننده و بستر ساز برای بهره گیری از اعتراضات گسترده مردمی در جهت ایجاد تحول بود.

۲- در هر سه کشور، امریکا و غرب حامی معنوی، تبلیغاتی و پشتیبانی کننده انقلاب های رنگی بود و حتی خشم روسیه مانع از این حمایت ها نگردید. بر این اساس در هر سه انقلاب، امریکایی ها فعال و روس ها ناکام و منفعل بودند. در واقع از منظر نظامرکنندگان، امریکا حامی و دوست آنها و امریالیسم تاریخی روسیه، دشمن اصلی کشور تلقی می شد.

۳- سفارتخانه های کشورهای غربی در این کشورها، به ویژه سفارت امریکا در این دوران با افزایش فعالیت های خود نقش مهمی را در وقوع تحولات برعهده داشتند.

۴- گروه های غیر دولتی (NGO) وظیفه اصلی بسیج نیروها و سازماندهی تشکیلاتی توده ها را برعهده داشتند.

۵- رهبران جنبش های توده از جمله جنبش کماراء در گرجستان، جنبش جوانان پوراء در اوکراین و جنبش مقاومت جوانان کلکله در قرقیزستان، جملگی با بنیادها و مؤسسه های طراح و هدایت گر انقلاب های بدون خشونت در ارتباط بودند و همراه کارشناسان آن مجموعه آموزش های ویژه ای را می دیدند.

- ۶- سناریوی براندازی در هر سه کشور دارای لیدر و رهبر بود که به شدت به سوی غرب و امریکا گرایش داشتند.
- ۷- رهبران اصلی انقلاب‌های رنگی در هر سه کشور، پیش از تحول، دارای سمت‌های مهمی چون صدارت یا وزارت یا نمایندگی پارلمان بوده‌اند. در واقع میخائیل ساکاشویلی در گرجستان، یوشچنکو در اوکراین و باقی‌اف رئیس پارلمان قرقیزستان در درون حاکمیت، ژست اپوزیسیون گرفته بودند و ادای مخالفان در می‌آوردند. بر این اساس رهبران جناح پیروز بخشی از حاکمیت بودند.
- ۸- در هر سه کشور با ناکارآمد نشان دادن رهبران موجود، رهبر اپوزیسیون به عنوان ناجی کشور، به وسیله رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی انقلابیون و هواداران غربی آن‌ها معرفی شدند. "ساکاشویلی" در گرجستان، یوشچنکو" در اوکراین و "کولوف" در قرقیزستان چنین نقشی را در این سناریو برعهده داشتند.
- ۹- وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه‌های غربی نقش کلیدی را در شکل‌دهی افکار عمومی برعهده داشتند.
- ۱۰- بنیادهای غیر دولتی امریکایی- اسرائیلی نظیر بنیاد سوروس حمایت‌های مختلف مالی، تبلیغی، آموزشی و تدارکاتی این انقلاب‌ها را برعهده داشتند و با اپوزیسیون در ارتباط مستقیم بودند.
- ۱۱- بهره‌گیری از نمادها همچون رنگ نارنجی، گل رز، گل لاله، شعارها و ... برای ایجاد همبستگی اجتماعی از وجوه مشترک این سه حرکت بود.
- ۱۲- هر سه انقلاب واجد وصف مسالمت‌جویانه بود. به این معنا که نظامیان تنها وضعیت را کنترل کرده تا برای سرکوب مخالفان دست به کشتار وسیع نزدند.

۱۳- محاصره و تصرف مراکز دولتی و نقاط حساس کشور نیز از دیگر اقدامات مشترکی بود که در هر سه کشور برای فشار به دولت حاکم صورت پذیرفت.

۴- بنیادهای طراح و حامی انقلاب‌های مخملی

دیر زمانی است که اقدامات و برنامه‌های تجاوزکارانه و مداخله‌جویانه امریکا در دیگر کشورها به طور مستقیم صورت نمی‌گیرد، بلکه در این بین مؤسسه‌ها و نهادهای غیر دولتی امریکا که در ظاهر مستقل از دولت امریکا هستند و در قالب مؤسسه‌های حامی حقوق بشر، دموکراسی و آزادی فعالیت می‌کنند، مأموریت هدایت این کودتاهای نرم را برعهده گرفته‌اند. این مؤسسه‌ها را عناصر شناخته‌شده سیاسی- امنیتی وابسته به دو جناح دموکرات و جمهوری‌خواه مدیریت می‌کنند و سازمان جاسوسی امریکا (سیا) ارتباط تنگاتنگی با این بنیادهای عمومی دارد، که اغلب در پوشش مؤسسه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و امور خیریه فعالیت می‌کنند. سناریوی براندازی در غالب انقلاب‌های رنگین را در دو دهه اخیر این مؤسسه‌ها طراحی و اجرا کرده‌اند. در ادامه به معرفی برخی از فعال‌ترین نهادهای حامی انقلاب‌های رنگین که حضور مستقیمی در تحولات کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی در این سال‌ها داشته‌اند، می‌پردازیم.

۱-۴- بنیاد جامعه باز^۱ (بنیاد سوروس)

سوروس در اصل یک یهودی اهل مجارستان است، که در سال ۱۹۳۰ در بوداپست به دنیا آمد. او در سال ۱۹۴۷ به غرب گریخت. در دانشگاه لندن درس اقتصاد خواند و بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های «کارل پوپر» قرار گرفت. وی در سال ۱۹۵۶ به آمریکا رفت و از طریق معاملات ارز، ثروت هنگفتی اندوخت. سوروس مؤسسه جامعه باز را در سال ۱۹۷۹ در نیویورک ایجاد کرد. امروزه او شبکه‌ای از این قبیل مؤسسات را در سرتاسر اروپای مرکزی و شرقی، شوروی سابق و اوراسیای مرکزی و همچنین آفریقای جنوبی، گوانمالا و ایالات متحده و... دارد. او همچنین کتاب‌هایی نیز در زمینه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی چاپ و منتشر کرده است. او همچنین مؤساتی چون «بنیاد ملی برای دموکراسی» و مؤسسه «خانه آزادی» را نیز زیر نظر دارد (آراکلیان سال: ۸۳). این بنیاد از پنج روش، یعنی از طریق ارتباط با احزاب مخالف، مطبوعات، رسانه‌ها، تشکیلات غیردولتی و دولت‌مردان در کشورهای مورد نظر سعی در برآوردن اهداف واشنگتن و تل‌آویو دارد (باشگاه اندیشه سال، ۱۳۸۶).

سوروس فقط در سال ۲۰۰۳ میلادی مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار به منظور حمایت از جنبش‌های اصلاح طلب در پنج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هزینه کرده است.

۲-۴- بنیاد ملی برای دموکراسی^۱

این بنیاد، مرکز تنویریه کردن عقاید افراطی نئومحافظه کاران است و در دوره اول ریاست جمهوری رونالد ریگان و توسط کنگره ایالات متحده امریکا تأسیس شد و هدف آن واگذاری برخی وظایف سیا به بخش خصوصی و بری نمودن واشنگتن از اتهام مداخله جویی در امور دیگر کشورها است. این مؤسسه خود را تشکیلاتی توصیف می کند که غیرانتفاعی، غیردولتی، دوحزبی و ارائه کننده کمک های مختلف است و وظیفه آن تلاش برای تحکیم دموکراسی در اقصی نقاط جهان است. تأسیس مؤسسه کمک ملی به دموکراسی (NED) در حقیقت با هدف تقویت تأثیرگذاری سیاسی ایالات متحده در نقاط مختلف جهان صورت گرفت؛ چرا که با وجود قانون ممنوعیت سیا از ورود به مباحث دموکراتیک، نقش برون مرزی امریکا تضعیف شده بود و وابستگان آن پیوسته با اتهاماتی روبرو بوده اند که حاکی از پشتیبانی آنها از نامزدهایی مخالف و پیشبرد حرکت های خرابکارانه در کشورهایی است که دولت هایشان با وجود آنکه از طریق دموکراتیک انتخاب شده اند، تهدیدی برای منافع ایالات متحده به حساب می آیند (باشگاه اندیشه سال: ۸۶).

بنیاد ملی برای دموکراسی، چهار مؤسسه پیوسته به خود دارد: مؤسسه بین المللی جمهوری خواه، مؤسسه دموکراتیک ملی برای روابط بین المللی، مرکز بین المللی بنگاه های خصوصی، و مرکز امریکایی برای همبستگی بین المللی کار. گفته می شود

این سازمان‌ها به شکل منحصر به فردی برای ارایه کمک فنی و به پا گرفتن دموکراسی‌های نوپا در سراسر جهان واجد شرایط هستند.

۳-۴- خانه آزادی^۱

خانه آزادی، یک ماشین تبلیغاتی است که آن را «روزولت» به منظور آماده‌سازی افکار عمومی امریکا برای جنگ ایجاد کرده است. این موسسه، سازمانی بی‌نهایت محافظه‌کار است و به کلی از سوی امریکا تأمین مالی می‌شود. این کمک‌ها از سوی آژانس برای کمک امریکا به جهت توسعه بین‌المللی سرازیر می‌شود. این آژانس می‌کوشد تا با کمک‌های اقتصادی، توسعه‌ای و نوع‌دوستانه در سرتاسر دنیا، حمایت از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده را فراهم سازد. در دهه ۹۰ خانه آزادی فعالیت‌های خود را توسعه داد و دفاتری را در الجزایر، مجارستان، اردن، قرقیزستان، قرقیزستان، مکزیک، ازبکستان، لهستان، رومانی، صربستان و اوکراین، گشود. خانه آزادی برنامه‌ای را هم با همکاری «کانون و کلای آمریکا»، برای آموزش مخالفان حقوق بشری اروپای شرقی و مرکزی اجرا کرد، که دفتری تخصصی در زمینه نفوذ و مداخله ایجاد کرد و این دفتر نیز کار خود را از مدل موجود برای شرکت دادن اتحادیه‌های بازرگانی و کارمندان در فعالیت‌های سرّی شروع کرد. خانه آزادی، پشتیبانی بنیاد ملی دموکراتیک در امور بین‌الملل را به سرپرستی «مادلین آلبرایت»، نیز در اختیار داشت.

۱. Freedom House

۴-۴- مؤسسه آلبرت انیشتین

یکی دیگر از مجموعه‌هایی که در زمینه تئوری پردازی و طراحی سناریوی براندازی در قالب کودتای مخملی فعالیت می‌کند، مؤسسه آلبرت انیشتین است. این مؤسسه در پس عنوان به ظاهر علمی- تحقیقاتی در حوزه علوم تجربی و به ویژه فیزیک و مکانیک، بیشترین فعالیت‌های خود را به حوزه علوم انسانی اختصاص داده است. این مؤسسه توسط «جین شارپ» پدرخوانده و نظریه‌های کودتاهای مخملی با دو هدف اصلی تأسیس شد، که هدف اول آن تأمین مالی امور تحقیقاتی و هدف بعدی نیز به اجرا درآوردن الگوهای توسعه داده خود در شرایط خاص بود. در سال ۱۹۸۷ این انجمن را «مؤسسه امریکایی صلح» حمایت مالی کرد و میزبان گردهمایی برای نشان دادن دستورالعمل‌هایی در امور نافرمانی مدنی بود.

۵-۴- مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی‌خشونت

این مرکز از جمله مؤسساتی است که در بخش آموزش «کودتای مخملین» مشغول است و مختص کشور ایران راه‌اندازی شده است و بخش فارسی سایت آن نیز فعال می‌باشد. در بخش معرفی سایت این مرکز آمده است: «مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی‌خشونت یک مرکز مجازی است که در شبکه‌ای برون‌مرزی شامل پژوهشگران، مترجمان، نویسندگان و کوششگران مدنی در آن گرد آمده‌اند. هدف مشترک این گروه ترویج و آموزش کنش بی‌خشونت به عنوان مؤثرترین راه برای ایجاد تغییر اجتماعی است. هدف ما این است که انواع تاکتیک مبارزه بی‌خشونت را بررسی و منتشر کنیم و با پژوهش و تحلیل تاکتیک‌هایی که در گذشته در دیگر نقاط جهان به کار گرفته شده‌اند، در مورد اثربخشی آن‌ها نتیجه‌گیری کنیم. افزون بر

مطالب و تحقیقات منتشر شده در اینجا، فیلم‌های گوناگونی درباره کنش‌های بی‌خسونت را از سراسر جهان در این تارنمای اینترنتی قرار خواهیم داد. همچنین به زودی این منابع را طی رشته برنامه‌هایی از کانال تلویزیونی صدای امریکا در دسترس همگان خواهیم گذاشت. شبکه ما برون‌مرزی است و از کمک افراد و پژوهشگران بی‌شماری از ایران و همچنین کشورهای دیگر بهره می‌برد.

کتابنامه

- افتخاری، اصغر. «انقلاب رنگی؛ طراحی چارچوب تحلیلی»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
- آراکلیان، آرتین. انقلاب مخملین در قرقیزستان زرد رنگ خواهد بود، (سایت باشگاه اندیشه)، ۱۳۸۳.
- پورسعید، فرزاد. امکان و امتناع انقلاب رنگی در جامعه ایرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
- جلایی پور، حمیدرضا. جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- حسینی تاش، علی؛ باقری چوکامی، سیامک.، کنکاشی در مدل شییه‌سازی شده انقلاب مخملی در ایران، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۹۹، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.
- داداشی، محمدعلی. براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله، پگاه، شماره ۲۲۴، بهمن ماه، ۱۳۸۶.
- سواریه، نالین. استراتژی انقلاب رنگی و انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۰ سریلانکا، مترجم منصوره اسماعیلیان (سایت باشگاه اندیشه به نقل از transcurrents، ژانویه ۲۰۱۰)، ۱۳۸۹.

- سراج، رضا. جنگ روانی انتخاباتی یا زمینه‌سازی برای انقلاب رنگین، (خبرگزاری فارس، شماره ۸۸۰۳۰۹۱۲۳۰)، ۱۳۸۸.

- شارپ، جین. از دیکتاتوری تا دموکراسی، چهارچوبی نظری برای کسب آزادی، ترجمه انجمن بدون مرز.

- عبدوس، حامد. انتخابات دهم ریاست جمهوری و مدیریت انقلاب رنگی در ایران (۲)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

(<http://www.irde.ir/fa/content/۷۶۱۹/default.aspx>).

- عرف، جمال. انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران؛ برآورد تطبیقی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.

- عسگری، حسن. نقش سرمایه‌گذاری خارجی در پیشبرد انقلاب رنگی (نقش بازیگران خارجی در انقلاب‌های رنگی: مورد انقلاب رز گرجستان)، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۴.

- غلامی، بنفشه. آشوبگران در ایران چه می‌خواهند، روزنامه ایران (www.iran-newspaper.com) و خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹.

- قاسمی، علی؛ بابایی، حسین. انتخابات دهم و رویای انقلاب رنگی، تهران، ۱۳۸۹.

- ملکوتیان، مصطفی. آیا انقلاب‌های رنگی واقعی هستند؟، روزنامه کیهان، ۱۳۸۷.

- یزدان‌فام، محمود. انقلاب مخملی؛ بسترهای داخلی و تمایلات خارجی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.

- <http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=۱۱۳۷۰>

(گام اول سازمان سیا؛ تزریق دلار به رسانه‌های مخملی - کودتای دموکراتیک،

قسمت دوم)

- <http://www.bedooneMarz.com>

- <http://irnon.com/post-۴۱۰۸.aspx>

- <http://en.wikipedia.org/wiki/New-social-movements>

- <http://news.gooya.com/politics/archives/۲۰۰۵/۱۱/۰۳۹۴۴۵print.ohp>

- <http://www.kayhannews.ir/۸۸۰۵۰۴/۱۲.htm>

- <http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=۱۱۳۷۰>